



معضل هسته‌ای ایران

هوشنگ امیراحمدی

در روز ۴ فوریه ۲۰۰۶، بدنبال یک اجلاس ویژه سه روزه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، که از سوی آلمان، فرانسه و انگلستان (کشورهای سه‌گانه اتحادیه اروپا) فراخوانده شده بود، هیأت مدیره این آژانس تصویب کرد که ایران را به شورای امنیت سازمان ملل «گزارش» دهد. بر همین اساس، گزارش ویژه دکتر محمد البرادعی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، که قرار است در روز ۶ مارس به اجلاس عادی آژانس ارائه شود نیز به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده خواهد شد. انتظار می‌رود که شورای امنیت در وهله اول گزارش عملکرد ایران را تنها «مورد بحث» قرار دهد و احتمالاً ایران را توبیخ کند، اما از اعمال تحریمهای اقتصادی علیه آن کشور خودداری ورزد. کشورهای روسیه و چین هنوز آمادگی اعمال تحریم را که مشخصاً به منافع اقتصادی آنان در ایران صدمه خواهد زد ندارند.

تنها چند روز مانده به تصمیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران کوشید تا کشورهای سه‌گانه اتحادیه اروپا را با ارائه عجلانه یک پیشنهاد شش ماده‌ای از تلاش برای گزارش ایران به شورای امنیت منصرف کند. در این پیشنهاد، ایران به جامعه بین‌المللی اطمینان می‌داد که: (۱) پروژه هسته‌ای آن تنها هدف تولید برق را دنبال می‌کند و نه دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای؛ (۲) این پروژه پیشنهادات روسیه را نیز دربر خواهد گرفت؛ (۳) ایران پروتکل الحاقی (به معاهده منع انباشت سلاح‌های هسته‌ای) را برای تصویب به مجلس خواهد فرستاد؛ (۴) در چارچوب محدودیت‌های پروتکل منع انباشت سلاح‌های هسته‌ای عمل خواهد کرد؛ (۵) ایران پیش از اجلاس ویژه آژانس به تحقیقات در جهت غنی‌سازی و تولید اورانیوم دست نخواهد زد؛ و (۶) به موازات مذاکره با کشورهای سه‌گانه اتحادیه اروپا در جهت یافتن راه حل برای اختلافات، غنی‌سازی اورانیوم برای مصارف صنعتی را به مدت دو سال معلق خواهد نمود.

رییس جمهور سابق ایران علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی نیز در این رابطه شخصاً دست به وساطت زد و کوشید تا کشورهای سه‌گانه را قانع کند که ارجاع ایران به سازمان ملل یک «اشتباه فاحش» و نشانه‌ای از «سرکوب تاریخی ایران» خواهد بود. برخلاف وساطت آرام آقای رفسنجانی، رییس جمهور احمدی‌نژاد به‌کار تمسخر ایده ارجاع ایران به سازمان ملل ادامه داد و تهدید کرد که در چنین حالتی ایران عکس‌العمل شدید نشان خواهد داد و دشمنان آن کشور را از تصمیم خود نادم خواهد ساخت. در آخر، کشورهای سه‌گانه اتحادیه اروپا پیشنهاد آخرین لحظه‌ای ایران را رد کردند، تهدیدهای آقای احمدی‌نژاد را نادیده گرفتند، و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصمیم تحقیرآمیز خود را در مورد ایران گرفت. آقای احمدی‌نژاد هم تعهد ایران به پروتکل الحاقی را خاتمه‌یافته اعلام کرد. برای اولین بار، مانند عراق پیش از آن، ایران بزودی به عنوان یک کشور «بزه‌کار» در برابر شورای امنیت قرار خواهد گرفت.

شمرنده از این تصمیم، ایرانیان معینی در درون و بیرون حکومت می‌کوشند که غرب را سرزنش کنند، درحالی‌که هیچ‌کس جز هدایت‌کنندگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی را نمی‌توان بخاطر معضل هسته‌ای که ایران در آن گرفتار آمده است سرزنش کرد. نكوهش کشورهای سه‌گانه اتحادیه اروپا بخاطر نپذیرفتن پیشنهاد لحظه آخر ایران برای متوقف ساختن غنی‌سازی اورانیوم برای مصارف «صنعتی» (ایران پیشنهاد متوقف ساختن همه نوع غنی‌سازی اورانیوم را نداده بود) بسیار سؤال برانگیز است، نه به این دلیل که این پیشنهاد عجلانه و دیر بود، یا این که پیشنهادی بود ناکافی و همراه با معجون‌ی از التماس و تهدید، بلکه به این دلیل که این پیشنهاد از موضع ضعف داده شد و در نتیجه کشورهای سه‌گانه را به رد آن تشویق کرد. پس از آنکه شش کشور قدرتمند (پنج عضو دائمی شورای امنیت و آلمان) در روز ۲۱ ژانویه به یک توافق جمعی رسیدند، ایران امکان هرگونه مذاکره از موضع قدرت را از دست داد.

دو سال و نیم پیش، زمانی که وزرای خارجه کشورهای اروپایی برای آغاز مذاکره در مورد مسایل هسته‌ای به ایران



رفتند، آنها یک پیام صریح از سوی واشنگتن برای مذاکره کنندگان ایرانی به همراه خود داشتند: با توجه به روابط خصمانه میان ایران و آمریکا، نه آمریکا و نه کشورهای سه گانه اتحادیه اروپا فعالیت غنی سازی هسته ای از سوی ایران را نخواهند پذیرفت. به علاوه، همان طور که دکتر حسن روحانی، مذاکره گر اصلی ایران پیش از دکتر علی لاریجانی، طی نامه ای به رییس جمهور سابق محمد خاتمی اذعان کرده است، ایران به خوبی می دانست که حریف اصلی آن در رابطه با مسأله هسته ای آمریکا است و نیاز دارد که با آمریکا وارد مذاکره شود. هفته گذشته دکتر لاریجانی این پیشنهاد را به آمریکا داد، اما باز هم بسیار دیر و از موضع ضعف. همان طور که انتظار می رفت، آمریکا آن را به عنوان یک پیشنهاد بی فایده مردود اعلام کرد.

این دو واقعیت، یعنی پیام کشورهای اروپایی و نیاز به مذاکره مستقیم با آمریکا، می بایست برای ایران در جهت اتخاذ یک استراتژی متفاوت برای مذاکره (یا عدم مذاکره) به جای مسیر فاجعه بار کنونی کافی بوده باشد. متأسفانه، جمهوری اسلامی از آنجا که نمی خواهد واقعیات جهانی و منطقه ای را بپذیرد و مستقیماً با آمریکا وارد مذاکره شود، سیاست خارجی ای را در پیش گرفته است که به شدت برای امنیت و منافع ملی و استراتژیک ایران، از جمله حق آن به داشتن تکنولوژی هسته ای غیرنظامی، زیان آور است. جمهوری اسلامی سیاست های فاجعه بار مشابهی را نیز در رابطه با جریان گروگان های آمریکایی در تهران، بلافاصله پس از انقلاب، و همچنین در رابطه با جنگ صدام حسین علیه ایران در دهه 1980 در پیش گرفت. در هر دو مورد، دولت اسلامی آن قدر تأخیر کرد تا ناچار شد راه حل های حقارت آمیزی را بپذیرد.

این گفته که ایران خود مسئول معضلی است که در آن گرفتار آمده بدین معنی نیست که کشورهای سه گانه اتحادیه اروپا و آمریکا در مورد مسأله هسته ای موضعی اصولی در قبال ایران داشته اند. معیارهای دوگانه و بازی های غیر اصولی و فریب کارانه آنان نیز یک عامل عمده در تعمیق شکاف اعتماد موجود میان آنان و ایران بوده است. تردیدی نیست که در زمان معینی در آینده، هنگامی که بحران از کنترل خارج شود، همه طرفین درگیر بحران از در پیش گرفتن یک چنین سیاست سرسختانه ای متأسف خواهند بود. متأسفانه، جمهوری اسلامی اغلب این نکته را فراموش می کند که کشورها دارای منافع هستند نه دوست و دشمن. زمان آن رسیده است که ایرانیان مسئولیت شکست خود در دفاع از منافع ملی خویش را برعهده گیرند و از سرزنش دیگران، که اکنون 27 کشور اند که علیه ایران رای داده اند (و متأسفانه به زودی بسیاری دیگر هم در شورای امنیت سازمان ملل به آنها خواهند پیوست)، دست بردارند.

هوشنگ امیراحمدی پروفیسور برنامه ریزی و توسعه بین المللی و رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه راتگرز و رئیس شورای امریکاییان و ایرانیان است.

www.amirahmadi.com ; Website: hooshang@amirahmadi.com Email: